

بررسی جایگاه دیون ممتاز بدهکاران در قوانین مدنی و تجاری و رویه‌ی قضایی

احمد یوسفی صادقلو^۱ - الهام رجبی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

چکیده

دیون ممتاز در مقایسه با سایر دیون دارای تقدم پرداخت آن سهم نسبت به سایر سهام از دارایی مدیون بر سایر دیون هستند که عمدتاً در تأمینات حمایتی طلبکار پیرامون وصول طلب خلاصه می‌شود به‌علاوه اینکه علیرغم فقدان سابقه‌ی فقهی در متون قانونی نفوذ و رسمیت یافته است. ماهیت حقوقی دین ممتاز چیزی جز تقدم در وصول طلب از سوی بستانکار نیست اما این حق تقدم به دارنده آن حق تعقیب نمی‌دهد و صرفاً متضمن حکم قانونی بر تقدم در وصول طلب می‌باشد که این حق قانونی بدون ذکر و تصویب قانون‌گذار ایجاد نمی‌شود به‌عبارت‌دیگر تقدم محتاج دلیل است. در این تقدم شاخه‌هایی از ویژگی‌ها و مختصات حق عینی (حق تقدم و تعقیب) وجود دارد ولی احکام این حقوق از لحاظ مبنا و ضمانت اجرا کاملاً باهم متفاوت‌اند و نباید آن‌ها را یکسان پنداشت. در همین راستا در این مقاله ماهیت حقوقی دیون ممتاز و وجه افتراق آن با دیون عادی و با وثیقه تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی: دیون، دیون ممتاز، طلب مقدم، طلب ممتاز، اصل برابری

^۱ دکترای حقوق خصوصی از کشور فرانسه، استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران-

ایران (نویسنده مسئول)، a_yousefi_2005@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه واحد علوم و تحقیقات تهران-ایران elham42857@yahoo.com

مقدمه

حقوق مالی به دودسته حقوق عینی و دینی تقسیم می‌شود حق دینی را به‌اجمال می‌توان چنین تعریف کرد امتیاز شخص در برابر دیگری که به‌موجب آن می‌تواند ایفا امری را خواستار شود. حق دینی و تعهد رابطه حقوقی بین اشخاص است صاحب حق را به اعتباری که می‌تواند امری را از دیگری مطالبه کند طلبکار یا دائن می‌گوید و شخصی را که در برابر دیگری ملتزم به انجام کاری شده است متعهد یا مدیون می‌گویند صاحبان حقوق دینی جز در مواردی که قانون برای آن‌ها امتیاز قائل شده است در استفاده از اموال مدیون برای توقیف، فروش و وصول طلب خویش برابرنند. ولی حق عینی بر همه آن‌ها مقدم است و قلمرو این حق در نتیجه گسترش تعهدهای شخصی محدود نمی‌شود به‌عبارت‌دیگر حق تقدم نیز مانند حق تعقیب ویژه حق عینی است.

هدف از تحقیق حاضر پرداختن به دیون ممتاز در اصطلاح حقوقی می‌باشد که ضمن آن به معرفی و تبیین ماهیت حقوقی دیون ممتاز و وجه افتراق این قسم از دیون با سایر دیون (عادی و دارای وثیقه) می‌پردازیم. دین ممتاز استثنایی بر اصل برابری طلبکاران مدیون می‌باشد هنگامی که دیون مختلف با طلبکاران متعددی ایجاد می‌شوند فارغ از اینکه منشأ دیون قراردادی یا قهری است، از اصل تساوی بهره‌مند بوده و چنانچه همه در مقام مطالبه برآیند به نسبت طلب خویش از اموال مدیون سهم خواهند داشت باین‌حال گاه قانون‌گذار باهدف حمایت از طلبکارانی خاص، طلب آن‌ها را ممتاز قرار می‌دهد. ممکن است در پاره‌ای از موارد در راستای شناسایی این طلب و اعمال امتیاز برای طلب خاصی منجر به نادیده گرفتن سایر مطالبات شود

در اصطلاح حقوقی، دین ممتاز، عبارت از دینی است که نسبت به سایر دیون در پرداخت و اختصاص سهمی از دارایی مثبت مدیون به خود دارای تقدم است متأسفانه قانون‌گذار ایران در تعریف این تأسیس حقوقی از روش واحدی تبعیت نکرده و از عناوین مختلفی تحت عنوان طلب ممتاز^۱، دیون ممتاز^۲ و حقوق ممتاز^۳، استفاده کرده است.

^۱ ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی

^۲ ماده ۳۳ قانون پولی و بانکی کشور

^۳ ماده ۲۹ قانون دریایی: حقوق مشروحه ذیل نسبت به کشتی و نسبت به کرایه حمل در سفری که این حقوق طی آن ایجاد شده و نسبت به ملحقات کشتی و ملحقات کرایه حمل (موضوع ماده ۳۵) که از شروع سفر ایجاد شده است ممتاز تلقی می‌شود: ۱ - هزینه‌های دادرسی و مخارجی که برای حفظ منابع مشترک طلبکاران به‌منظور حفاظت کشتی یا فروش آن و تقسیم حاصل فروش به‌عمل‌آمده و همچنین حقوق و عوارض بندری که بر طبق فهرست سازمان بنادر و کشتیرانی قانوناً باید پرداخت گردد و سایر حقوق و عوارض عمومی مشابه و همچنین هزینه حفاظت کشتی پس از ورود به

۱- کلیات

۱-۱- حق دینی

حقی است که شخص نسبت به دیگری پیدا می‌کند به موجب آن می‌تواند انجام دادن کاری را از او بخواهد صاحب این حق را دائن یا طلبکار و کسی را که ملزم است مدیون یا بدهکار می‌نامند اصل حق نیز به اعتبار صاحب آن طلب است و به لحاظ مدیون تعهد یا دین نام دارد و ممکن است ناظر به ۱- انتقال مال ۲- انجام دادن کار ۳- خودداری از امری باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۱۶) از تقسیمات دین در حقوق که ریشه آن را می‌توان در فقه یافت، تقسیم آن به دیون عادی و ممتاز است که در مباحث پیش رو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- دیون عادی

در خصوص دیون عادی، ترتیب ویژه‌ای در اجرای تعهدات رعایت نمی‌شود؛ شخص مدیون و طلبکار تابع قواعد خاصی نیستند و مدیون می‌تواند هر کدام از طلبکاران را بر دیگری مقدم داشته طلب او را زودتر پرداخت کند ولو اینکه از لحاظ زمانی مؤخر بر سایر دیون باشد.

۲-۱- معرفی دیون عادی

دیون جمع دین (به فتح دال) و آن عبارت است از آنچه که «متعهدله صورت دادن آن را از متعهد می‌خواهد، خواه پول باشد یا نه در فقه دین عبارت است از استحقاق مالی بر ذمه کسی دیگر، پس موضوع دین ممکن است کلی و در ذمه و یا عین خارجی باشد...» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۷۱) مراد از دین در اصطلاح فقه و حقوق،

آخرین

بندر.

۲- مطالبات ناشی از قرارداد استخدام فرمانده - ملوانان و سایر کارکنان کشتی.

۳- اجرت و هرگونه پرداخت مربوط به نجات و کمک در دریا و آن قسمت از خسارات مشترک دریایی که به عهده کشتی است.

۴- خسارات ناشی از تصادم و سایر سوانح کشتیرانی همچنین خسارات وارده به تأسیسات بندری و کارگاه‌های تعمیر کشتی و راه‌های آبی قابل کشتیرانی و خسارات ناشی از صدمات بدنی وارد شده به مسافری و کارکنان کشتی و خسارات فقدان یا آسیب دیدن کالای کشتی و اثاث مسافری.

۵- مطالبات ناشی از قراردادها و عملیاتی که فرمانده در خارج از بندر پایگاه بر طبق اختیارات قانونی خود برای تأمین احتیاجات واقعی از نظر حفظ کشتی یا امکان ادامه سفر انجام می‌دهد خواه فرمانده مالک کشتی باشد یا نباشد و خواه طلبکار فرمانده و یا تدارک کننده مایحتاج کشتی یا تعمیرکننده کشتی یا وام‌دهنده و یا پیمانکار دیگری باشد. اشخاصی که احتیاجات مذکور در این بند را فراهم می‌نمایند هرگاه اطلاع داشته باشند و یا بتوانند با توجه و دقت معمولی

اطلاع حاصل کنند که فرمانده مجاز در اقدامات مزبور نبوده مطالبات آن‌ها از حقوق ممتاز محسوب نخواهد شد.

حق مالی است که به سبب یکی از وقایع یا اعمال حقوقی مانند بیع، قرض، نکاح، اتلاف یا جنایت بر ذمه یک شخص به سود دیگری استقرار می‌یابد. شخصی را که تعهد بر ذمه او استقرار می‌یابد، مدیون می‌نامند و صاحب دین را داین می‌خوانند.

مفهوم حقوقی تعهد که یک اصطلاح حقوقی عربی است فی الواقع چیزی جز همان مفهوم دین نیست که ناظر به جنبه منفی آن است. این اصطلاح بیش از همه‌جا در فقه و قانون مدنی در مبحث عقد ضمان و حواله و کفالت بکار رفته است و در اصطلاح فقها معادل شرط و التزام بکار گرفته شده است و نیز معادل عهد و عهده و ضمان استعمال شده است و در اصطلاح؛ «عبارت است از رابطه حقوقی بین دو شخص که به موجب آن متعهدله می‌تواند متعهد را ملزم به پرداخت مبلغی پول یا انتقال چیزی و یا انجام دادن متعهد به (که فعل یا ترک فعل معینی است) بکند...» (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۴، ص ۵) «از واژه تعهد بیشتر در زبان حقوقی ما حق مالی دینی به ذهن می‌رسد که در اثر قرارداد کسی عهده‌دار آن شده است ولی نباید چنین پنداشت که اختصاص به امور مالی دارد، زیرا تعهدی که اعضای انجمن خیریه یا علمی برای رسیدن به هدف‌های خود دارند یا تعهدهایی که زن و شوهر در برابر هم پیدا می‌کنند ممکن است جنبه مالی نداشته باشد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۳)

منظور از اصل تساوی حقوق طلبکاران این است که به هر طلبکار به نسبت طلب او به میزان تمام مطالبات پرداخت می‌شود. از تقسیمات دین در حقوق که ریشه آن را می‌توان در فقه یافت، تقسیم آن به دیون عادی، ممتاز و دارای وثیقه است. در دیون عادی، ترتیب خاصی در ادای دین مقرر نشده و مدیون در صورت تعدد طلبکار می‌تواند در مقام ادای دین هر یک از آنها را که بخواهد مقدم کند. بر این اساس هر یک از طلبکاران که زودتر اقدام کند سریع‌تر به طلب خود می‌رسد. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۴۹-۳۸۴)

۲-۲- بررسی امتیاز حمایتی داین در دیون عادی

در خصوص دیون عادی، ترتیب ویژه‌ای در اجرای تعهدات رعایت نمی‌شود و اگر نظم خاصی در تصفیه دیون شخص مدیون به واسطه فوت و یا ورشکستگی مقرر نگردیده باشد، شخص مدیون در اداره دارایی خود آزاد است و می‌تواند هر کدام از طلبکاران را بر دیگری مقدم داشته طلب او را زودتر پرداخت کند ولو اینکه از لحاظ زمانی مؤخر بر سایر

دیون باشد. طلبکاران نیز در چنین موقعیتی تابع مقررات و اصول خاصی نیستند و در میدان رقابت هر کدام که زودتر اقدام کند، پیش‌تر از دیگران به طلب خود می‌رسد و می‌تواند از دادگاه تأمین بخشی از اموال بدهکار را به‌عنوان محل استیفاء دیون بخواهد. در این حالت او نسبت به مال تأمین‌شده بر سایر طلبکاران رجحان می‌یابد و بدهکار نیز از تصرف در آن مال ممنوع می‌شود.

بنابراین در حالت عادی و در خصوص دیون عادی؛ شخص مدیون و طلبکاران تابع قواعد خاصی نیستند و تنها کسی از دایره رقابت بین طلبکاران به دورند که بر مالی از اموال مدیون حق عینی دارند، همچنان که قانون مدنی در ماده ۷۸۰ اعلام می‌دارد: «برای استیفاء طلب خود از قیمت رهن، مرتهن بر هر طلبکار دیگری رجحان خواهد داشت» درواقع آنچه دارندگان حق عینی مطالبه می‌نمایند، اجرای حق عینی است نه اجرای تعهد و اگر تعهدی نیز باید اجرا شود جنبه فرعی دارد چون از ویژگی‌های حق عینی این است که به دارنده آن حق تعقیب و تقدم می‌دهد و آنچه طلبکار دارای حق عینی مطالبه می‌نماید اجرای حقی است که شخص مستقیماً بر مالی دارد و آن را به‌عنوان بستانکار (به معنی اخص) اعمال نمی‌کند بلکه بدون عنوان متعهدله آن حق را اعمال می‌کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۹۹)

۳- دیون ممتاز

۳-۱- معرفی دیون ممتاز

کلمه ممتاز در لغت به معنای برگزیده، پسندیده، منتخب‌شده و دارای امتیاز و برتری می‌باشد.^۱ (دهخدا، ۱۳۴۵، ص ۱۱۳۴)

در اصطلاح حقوقی دین ممتاز عبارت است از دینی که نسبت به باقی دیون دارای امتیاز مقدمی است که می‌توان ابتدا آن را از قسمتی از دارایی مثبت مدیون مطالبه کرد.

^۱ قانون‌گذار در تعریف و توجیه این تأسیس حقوقی از روش واحد متابعت نکرده و بعضاً عنوان طلب ممتاز (ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی) و گاهی دیون ممتاز (ماده ۳۳ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱) و گاهی نیز از عنوان حقوق ممتاز (ماده ۲۹ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳) استفاده کرده است. پراکندگی روش قانون‌گذار در نام‌گذاری این تأسیس حقوقی در تألیفات حقوقی نفوذ کرده و منجر به تعریف و توضیح اصطلاحاتی همچون: حق تقدم، حق رجحان، حقوق ممتاز، طلب ممتاز و تعهدات ممتاز گردیده است. وجه مشترک همه تعاریف این است که به سود متعهدله یا دارنده آن برقرار گردیده‌اند و تقریباً همگی افاده یک معنی می‌کنند که در عناوین مقرر بکار رفته‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، صص ۶۳۳۸ و ۹۱۴۶)

به نظر می‌رسد، اولین عنوانی که قانون‌گذار برای نام‌گذاری این تأسیس حقوقی بکار برده عنوان «طلب ممتاز» باشد که در قانون مدنی بکار رفته است، همان‌طور که سابق بر این اشاره شد تأسیسی بدین گونه صریح و خالی از ابهام در متون فقهی وجود ندارد تا از آنجا وارد نظام حقوقی ما گردیده باشد. با توجه به سابقه قانون‌گذاری مدنی که نشئت گرفته از حقوق مدنی فرانسه است؛ در حقوق این کشور عنوان مستقل طلب ممتاز در عنوان هیجدهم از کتاب سوم قانون مدنی ذکر شده است، لذا نویسندگان قانون مدنی ما ابتدائاً در ماده ۸۶۹ بدون ذکر اصطلاح طلب ممتاز نوعی طبقه‌بندی برای صاحبان حق نسبت به ترکه ایجاد کردند و سپس، با جرئت بیشتر در مواد بعدی صریحاً عنوان طلب ممتاز را در خصوص مطالبات زوجه بابت نفقه بکار بردند؛ ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور ممتاز بوده و در صورت افلاس و یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود». (دهقانی، ۱۳۸۹، صص ۲۶ و ۲۷)

۳-۲- امتیاز حمایتی داین در دیون ممتاز

به نظر می‌رسد بتوان طلب ممتاز را با اندیشه حمایت از طلبکار توجیه کرد همه طلبکاران از لحاظ توان مالی در یک سطح نیستند برخی آسیب‌پذیرند و مستحق حمایت بیشتری هستند و با ممتاز شمردن طلبشان آن‌ها را در جریان رقابت با طلبکاران قرار نداده و وصول طلب آن‌ها تضمین می‌شود (J.Kilpi.1998 P.22: Mokal 2011 P.2:Hicks 2008 P.615). این اندیشه با اصول اخلاقی و مبانی فلسفی که حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است سازگار می‌باشد. حقوق حمایتی داین را در دیون ممتاز بدین شرح می‌توان خلاصه کرد:

۱- دارندگان وثیقه که حق عینی دارند اصولاً بر طلبکاران ممتاز مقدم‌اند، زیرا آنچه این دسته از طلبکاران مطالبه می‌نمایند اجرای حق عینی است و اجرای تعهد در مورد این‌گونه حقوق چهره فرعی و تبعی دارد و اگر در برخی موارد قانون‌گذار طلبکاران ممتاز را بر حقوق دارندگان وثیقه ترجیح داده به نظر ناشی از ترجمه تحت‌اللفظی قوانین بیگانه باشد که وارد نظام حقوقی ما گردیده و در قواعد حقوقی ایجاد استثناء نموده است، برای مثال بر اساس بند ۵ ماده ۲۳۳۲ قانون مدنی فرانسه طلب صاحب هتل از مسافر نسبت به کالاهایی که او وارد هتل کرده است طلب ممتاز شناخته شده و کالاهای وارده توسط مسافر محل وصول طلب صاحب هتل بوده و بر آن حق تعقیب می‌یابد

((Olivier Barret.2010 P.2). در حقوق ما نیز بر اساس ماده ۳۳ قانون بیمه، بیمه‌گر برای مطالبه حق بیمه در مقابل هر طلبکاری بر مال بیمه‌شده مقدم است؛ و مال بیمه‌شده به حکم قانون در وثیقه طلب بیمه‌گر قرار گرفته است. از این دسته از مطالبات ممتاز می‌توان با عنوان مطالبات دارای وثیقه قانونی نام برد و حق دینی بر روی اموال حق دینی تبعی و به تبع طلب است؛ بنابراین طلبکاران دارای حق تقدم مابین طلبکاران عادی و دارای وثیقه قرار دارند و پرداخت طلب آن‌ها مؤخر بر صاحبان وثیقه و مقدم بر طلب طلبکاران عادی صورت خواهد گرفت.^۱

۲- علاوه بر تقدمی که قانون‌گذار در مرحله اجرای تعهد از سوی مدیون برای طلبکار قائل شده، ایشان می‌توانند از تمامی تضمیناتی که طلبکاران عادی در راه وصول طلب خود برخوردارند، استفاده نمایند و در این بین تفاوتی میان طلبکاران نیست، زیرا طلبکاران عادی و یا ممتاز بر هیچ مالی از اموال مدیون حق عینی ندارند تا بتوانند با مراجعه به آن طلب خود را وصول کنند. ناگزیر در صورت ماطله بدهکار، باید متوسل به راه کارهایی شوند که آن‌ها را در رسیدن به طلب خود یاری می‌دهد.

طلب ممتاز دو ویژگی «حق تقدم و تعقیب» را به صورت مستقیم از قانون کسب می‌کند و وجه تمایز آن از طلب مرتهن این است که منشأ این اوصاف در طلب مرتهن قرارداد و در طلب ممتاز حکم مستقیم قانون است و این دو، نهادی جدا از هم هستند. (Fournier.2009 P.12)

در میان طلبکاران ممتاز در صورتی که بستانکاران متعدد و مال مدیون تکاپوی پرداخت طلب همه آن‌ها را نکند به ترتیب طبقات مقرر قانونی، هر طبقه ابتدا طلب خود را وصول می‌نماید و در صورتی که از اموال مدیون چیزی باقی ماند به طبقه بعدی داده می‌شود و در بین اقسام طلبکاران یک طبقه؛ مال محکوم‌علیه به نسبت طلب میان آنان تقسیم می‌شود، ماده ۱۴۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب آبان ماه ۱۳۵۶ مقرر می‌-

^۱ بر اساس ماده ۲۹ قانون دریایی، حقوق خاصی، حقوق ممتاز گردیده‌اند. محل تعلق و وصول این حقوق ((کشتی)) (کرایه حمل) و ملحقات این دو شناخته شده‌اند. به این ترتیب این حقوق تنها دارای حق تقدم نیستند بلکه با توجه به محل تعلق آن‌ها دارای حق تعقیب نیز می‌باشند. حقی که اگرچه قانون‌گذار به صراحت حکم به عینی بودن آن نداده است با این حال به موجب ماده ۳۸ ق.د (انتقال مالکیت کشتی تأثیری در حقوق ممتاز نخواهد داشت) این حکم می‌تواند دلالت بر این نکته داشته باشد که حقوق ممتاز مندرج در قانون دریایی از جمله حقوق عینی تلقی می‌شوند. بعلاوه در ماده ۸ عهدنامه بین‌المللی مربوط به برقراری مقررات متحدالشکل درباره حقوق ممتاز و رهن دریایی و پروتکل مربوط ۱۹۲۶ بروکسل به صراحت مقرر شده است: ((مطالبات ممتاز نسبت به کشتی از جمله حقوق عینی است))

دارد: «پس از اینکه بستانکاران هر طبقه طلب خود را از اموال محکوم‌علیه وصول نمودند اگر چیزی زائد از طلب آن‌ها باقی ماند به طبقه بعدی داده می‌شود و در هر یک از طبقات دوم تا چهارم اگر بستانکاران متعدد باشند. مال محکوم‌علیه به نسبت طلب بین آن‌ها تقسیم می‌گردد» بنابراین هر یک از طلبکاران در این فرض به نسبت طلب خود از اموال مدیون استفاده می‌کنند. (دهقانی، ۱۳۸۹، ۳۰)

رای وحدت رویه شماره ۱۵۵ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز در همین راستاست: ((راجع به طلبکاران وثیقه دار قانون برای وصول طلب آن‌ها تا تاریخ ورشکستگی این مزیت را منظور داشته که کلیه طلب آن‌ها از محل مورد وثیقه می‌باشد ایفا شود و در صورتی که حاصل فروش کفایت طلب آن‌ها را ننموده نسبت به بقیه طلب خود جزء غرمای معمولی منظور شوند و از وجوهی که برای غرما مقرر می‌باشد حصه ببرند...))

۲-۳- ایجاد طلب ممتاز در رویه قضایی

تنها قانون می‌تواند طلب ممتازی را ایجاد کند. این مورد در بسیاری از نظام‌های حقوقی مقبول است. طلب ممتاز نهادی استثنایی و همانند هر نهاد استثنایی دیگری، باید مضیق تفسیر شود پس هرگاه در ممتاز بودن یا نبودن طلبی تردید شد اصل بر عدم امتیاز آن بر مطالبات عادی است (رای شماره ۳۲۷۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور)

سؤالی در اینجا مطرح است که آیا به وسیله تأمین خواسته می‌توان طلبی را به این معنا که خواهان بر خواسته تأمین شده نسبت به سایر طلبکاران حق تعقیب تقدم یابد به طلب ممتاز تبدیل کرد. پاسخ برخی از حقوقدانان به این سؤال منفی است چه طلب ممتاز استثنایی بر اصل تساوی طلبکاران است؛ ایجاد استثناء بر این اصل نیز تنها از عهده قانون برمی‌آید، پس حکم قاضی دادگاه نمی‌تواند طلبی را ممتاز سازد. (دادنامه شماره ۸۵۵ مورخ ۷۵/۶/۲۴ به کلاس پرونده ۱۶۰۸/۷۴ صادره از شعبه ۱۸۶ دادگاه عمومی تهران) اما در نظری مخالف اعتقاد بر این است که وقتی خواهان با جستجوی اموال خوانده قصد تهیه دلایل و تحمل بار اثبات دعوی و در پاره‌ای موارد با تودیع خسارت احتمالی، قرار تأمین خواسته را دریافت می‌کند، طبیعی است که انتظار دارد با سایر طلبکارانی که نظاره‌گر اقدامات خواهان توقیف‌کننده هستند؛ تفاوت داشته باشد. (صالح، ۱۳۲۷، صص ۹۴۱ و ۹۵۳). از طرفی، فرصت اخذ تأمین خواسته برای همه

طلبکاران میسر است و آن‌ها نیز می‌توانند از این فرصت استفاده کنند. از همین رو، استثناء کردن دارنده تأمین خواسته از اصل تساوی طلبکاران، استثنای قابل توجیهی است.^۱ (حقیقت، ۱۳۷۶، صص ۳۶۸ و ۳۸۹)

قانون‌گذار ما نیز جانب عقیده اخیر را گرفت؛ چنانکه در ماده ۲۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۱۸) مقرر شد: «درخواست‌کننده تأمین در استیفاء طلبش از مال مورد تأمین بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد». این موضوع با فلسفه تأسیس تأمین خواسته نیز مطابق است (واحدی، ۱۳۷۶، صص ۲۱ و ۲۲) اینکه قانون‌گذار بدو درخواست‌کننده را ملزم به رعایت شرایطی بنماید و او را ملزم به جبران و تدارک خسارات طرف مقابل کند، ولی درعین حال، دارنده قرار تأمین را با سایر طلبکاران برابر قرار دهد، عملی لغو است که استناد آن به قانون‌گذار جایز نیست. با این حال و علی‌رغم اطلاق ماده ۲۶۹ که حالت ورشکستگی را نیز در برمی‌گرفت، هیئت عمومی دیوان عالی کشور طی رأی وحدت رویه شماره: ۳۲۷۱ مورخ ۳۹/۱۰/۱۹ مقرر نمود که ماده فوق‌الذکر در زمان ورشکستگی قابل اجرا نبوده و در این زمان، باید بر اساس ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی عمل کرد. در این ماده نیز «از بستانکارانی که از اموال متوقف طلب خود را به وسیله دادگاه تأمین کرده‌اند قیدی دیده نمی‌شود». این رویه تا تصویب قانون آیین دادرسی مدنی جدید ادامه داشت تا اینکه در ماده ۱۲۸ قانون فوق‌به‌صراحت مقرر شد: «در ورشکستگی چنانچه مال توقیف‌شده عین معین و مورد ادعای متقاضی تأمین باشد درخواست‌کننده تأمین بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد». معنای این حق تقدم، این است که با توقیف مال، برای کسی که مال به نفع او توقیف گردیده، نسبت به سایر طلبکاران، حق تقدم ایجاد می‌شود و اگر بعد از پرداخت طلب وی چیزی از محل فروش مال توقیف‌شده باقی ماند، به طلبکاران بعدی، پرداخت خواهد گردید. رأی وحدت رویه شماره ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰/۲/۱۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز به این شکل صادر شد: ((قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ ترتیب خاصی برای پرداخت دیون ورشکسته که وضع مالی آن‌ها تابع قانون خاصی می‌باشد نبوده و آرای شعب پنجم و دهم دیوان عالی کشور که وزارت دارایی را در مورد وصول مالیات و جرایم متعلق به آن از بازرگان ورشکسته در طبقه پنجم و در ردیف

^۱ جان رالز در اصل دوم عدالت خود معتقد است: ((نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به صورتی ترتیب داده شود که ... امکان رسیدن به مقام و موقعیت (عامل نابرابری) برای همه یکسان باشد.))

سایر بستانکاران عادی شناخته صریحاً صادر گردیده...) به این ترتیب بر اساس نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور، فقط بر اساس مقررات راجع به ورشکستگی است که دیون تاجر ورشکسته باید پرداخت شود و مقدم داشتن طلبکاری بر طلبکاران دیگر و یا شناسایی طلبی به عنوان طلب ممتاز باید مبتنی بر آن مقررات باشد. در نتیجه اگر مقرراتی به نحو عام برای بستانکاران اولویت‌هایی را در نظر گرفته باشد در مقام تصفیه امور تاجر ورشکسته قابل اجرا نمی‌باشد.

بنابراین، در صورت وجود طلبکاران متعدد برای بدهکار، هر کس زودتر موفق به توقیف تأمینی یا اجرائی گردد، احتمالاً به تمام طلب خود می‌رسد و کسانی که دیرتر اقدام کنند، احتمال وصول طلب آن‌ها کمتر خواهد شد. جدا از این نکته، عبارت «مال توقیف شده... مورد ادعای متقاضی تأمین باشد» درخور توجه است. در واقع، بر اساس این عبارت، باید متقاضی تأمین، ادعایی نسبت به مال توقیف شده داشته باشد، یعنی آن را متعلق به خود بداند (شمس، آیین دادرسی مدنی، ۱۳۹۵، ص ۴۸۱) در این صورت است که وی بر دیگران حق تقدم خواهد داشت. در غیر این صورت، بر اساس اصل تساوی طلبکاران، عمل خواهد شد. اگر این تفسیر از جمله فوق، پذیرفته شود، تقدم دارنده تأمین خواسته، بیش از آنکه به تأمین خواسته و ایجاد طلب ممتاز برای دارنده تأمین برگردد، به حق عینی دارنده این قرار بر مال موضوع تأمین برمی‌گردد. نظیر این تقدم، در فقه، تحت عنوان «اختصاص» مطرح می‌شود که به موجب آن در صورتی که بستانکاری عین مال خود را در تصرف بدهکار بیابد، بر سایر طلبکاران ترجیح داده می‌شود.^۱ (فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۱، صص ۳۷ و ۶۸) در انتها نمونه آرای صادره از اداره کل حقوقی قوه قضائیه ارائه می‌گردد.

رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱ مورخ ۱۳۷۰/۷/۲۸ خلاصه رأی: در هر مورد که بعد از تاریخ توقف حکمی که مستقیماً علیه تاجر متوقف در مورد بدهی او به بعضی از بستانکاران وی صادر و اجرا شود کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات مربوط که متضمن ضرر سایر طلبکاران تاجر ورشکسته می‌باشد مشمول ماده ۴۲۳ قانون تجارت بوده و باطل و بی‌اثر است.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۷۶۴ - ۱۳۹۳/۱۱/۸ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

^۱ (من وجده من غرمانه عین ماله عنده، کان احق به من غیره)

اولاً در فرضی که شخص حقوقی، محکوم به پرداخت گردیده است، دین مدیرعامل بابت مهریه همسرش ارتباطی به محکومیت شخص حقوقی ندارد و در ردیف طلبکاران شخص حقوقی قرار نمی‌گیرد.

ثانیاً توقیف کننده تأمینی یا اجرائی برابر مواد ۱۴۸ (بند ۱) و ۱۴۹ قانون اجرای احکام مدنی، بر سایر محکوم‌لهم حق تقدم دارد.

نظریه شماره ۷/۹۹/۸۹۳ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵

۱- در موارد مشمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۷۹، دادگاه از جمله باید تمکن مدیون احراز کند. احراز تمکن با توجه به اظهارات طرفین و مجموع محتویات پرونده انجام می‌شود؛ بنابراین در صورت ادعای عدم تمکن از سوی مدیون استفاده از ضابطه ذکر شده در ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ بلامانع است.

۲- میزان مهریه‌ای که دارای حق تقدم است همان است که در بند ۳ ماده ۱۴۸ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۶۵ ذکر شده و تاکنون افزایش نیافته است. با توجه به اطلاق مهریه در این بند و اطلاق عنوان «مهر» موضوع مواد ۱۰۷۸ به بعد قانون مدنی که شامل مهر در نکاح دائم و منقطع است. در این حکم تفاوتی بین ازدواج دائم و منقطع نیست.

۴- معرفی اقسام دیون ممتاز

۴-۱ دیون ممتاز که دائن آن اشخاص حقوقی است

۴-۱-۱-۴ دین ممتاز مالیات

ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ (اصلاحی سال ۱۳۸۰) مقرر می‌دارد «سازمان امور مالیاتی کشور برای وصول مالیات و جرایم متعلق از مؤدیان و مسئولان پرداخت مالیات نسبت به سایر طلبکاران به‌استثنای صاحبان حقوق نسبت به مال مورد وثیقه و مطالبات کارگران و کارمندان ناشی از حق خدمت حق تقدم خواهد داشت ...»

در ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم قانون‌گذار اقدام به ارائه طبقه‌بندی ناقصی از دیون ممتاز نموده است بدین ترتیب که امتیاز طلب اداره مالیه را بعد از دیون دارای وثیقه و مطالبات کارگران و کارمندان ناشی از خدمت دانسته است. حکم این قسمت از

ماده به نظر نارسا است چراکه قانون‌گذار امتیاز طلب را بر همه مطالبات به‌استثنای مواردی مقدم دانسته و قیود لفظی ماده که دلالت بر عموم و استثنا دارد، این شبهه را القا می‌کند که طلب اداره مالیه به‌جز موارد محصور توسط خود قانون‌گذار، در سایر موارد مقدم بر همه مطالبات است. (دهقانی، ۱۳۸۹، ص ۵۰)

۴-۱-۲- دین ممتاز بیمه تأمین اجتماعی

دین ممتاز بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی مطابق ماده ۴۹ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ مطالبات سازمان ناشی از اجرای این قانون در عداد مطالبات ممتاز می‌باشد ماده مذکور جایگاه امتیاز طلب سازمان را در میان اقسام دیون معین نکرده است آنچه از ماده مذکور متبادر به ذهن می‌شود این است که کلیه مطالبات سازمان تأمین اجتماعی جزو مطالبات ممتاز تلقی می‌گردد سازمان در وصول طلب خود و بستانکاران مقدم است. (دهقانی، ۱۳۸۹، ص ۵۸)

۴-۲- دین ممتاز که دائن آن اشخاص حقیقی است

۴-۲-۱- دین ممتاز کارفرما

دین ممتاز کارفرما ضمن تبصره یک ماده ۱۳ قانون کار مطالبات کارگر را جزو دین ممتاز دانسته است قانون‌گذار به نحو عام کلیه مطالبات کارگر را جزو دیون ممتاز دانسته است ولیکن به نظر می‌رسد با توجه به حمایتی بودن قانون کار که هدف از آن ایجاد تعادل میان دو طرف نابرابر در قرارداد کار می‌باشد و همچنین تفسیر مضیق استثناء موصوف - تقدم در وصول طلب - می‌توان قائل بر این عقیده بود که مطالبات صرفاً ناظر بر مطالباتی است که از رابطه کار به وجود آمده است و مطالبات کارگر را جزء دیون ممتاز دانسته و لذا افرادی که به‌عنوان کارگردان آن‌ها ممتنع است از امتیاز محروم‌اند.

حکم این ماده در جهت حمایت از کارگران بوده که پیمانکار جز با مخفی کردن اموال و تغییر نشانی از پرداخت مطالبات کارگران امتناع می‌نمود بنابراین رویه مذکور توسط قانون‌گذار اتخاذ گردید تا در قراردادهای مقاطعی نیز تضمینی برای پرداخت طلب کارگر وجود داشته باشد. (دهقانی، ۱۳۸۹، ص ۶۹)

۴-۲-۲- دین ممتاز زوجه

اگرچه اصل بر تساوی طلبکاران است؛ با این حال گاه قانون‌گذار باهدف حمایت از طلبکارانی خاص، طلب آن‌ها را ممتاز قرار می‌دهد. امتیاز این دسته از مطالبات، کسب وصف تعقیب و تقدم از قانون است؛ وصفی که سبب ترجیح طلبکاران ممتاز بر سایر طلبکاران می‌شود. (ایزانلو، ۱۳۹۱، ص ۳۷) حال با توجه به مقررات یادشده این سؤال را می‌توان مطرح کرد که آیا قانون حمایت خانواده در مورد نفقه زن قاعده تازه‌ای آورده؟ و به تعبیر دیگر آیا با توجه به طبقه نفقه دین زوجه را به دین ممتاز تغییر داده است یا نه؟ ممکن است گفته شود تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده از لحاظ اینکه نفقه زن و بر سایر مقدم شناخته عام است ولی ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی و ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی خاص می‌باشد و عام مؤخر ناسخ خاص مقدم به شمار نمی‌آید. پس باید در این مورد به خواص عملکرد و نفقه زن را فقط بر طلب‌های عادی اشخاص یادشده مقدم شمرد.

لیکن قبول این نظر دشوار است زیرا برفرض اینکه تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده عام و آنچه در قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی و قانون امور حسبی در مورد نفقه زن آمده است خاص باشد. اگر قرینه مرجحی در میان باشد، عام مؤخر می‌تواند ناسخ خاص مقدم باشد و در اینجا چنین قرینه‌ای وجود دارد زیرا: اگر طبقه‌بندی قانون تصفیه امور ورشکستگی و قانون امور حسبی را به قوت و اعتبار خود باقی بدانیم، قانون حمایت خانواده درباره نفقه زوجه و متضمن حکم تازه‌ای نخواهد بود و این درست نیست.

فرض این است که قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۱۲ و حکم جدیدی در نظر داشته و کار عبث و بیهوده نکرده است ثانیاً تحول حقوق زن و خانواده و روح قانون جدید مقتضی آن است که در مورد نفقه هم گامی جدید را در راه حمایت بیشتر از زن برداشته‌شده باشد بنابراین می‌توان گفت برابر قانون جدید، نفقه زن بر کلیه دیون، حتی دیونی که طبق قوانین پیشین بر نفقه زوجه رجحان داشته مقدم می‌شود و بدین‌سان نفقه در صدر دیون ممتاز جای می‌گیرد. (صفایی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۹)

هرگاه شوهر فوت کند یا ورشکسته شود و طلبکارانی داشته باشد، آیا طلب زن که ناشی از مهر می‌باشد، حق تقدم و رجحانی دارد؟ در صورت فوت شوهر، باید به قانون امور حسبی مراجعه کرد که در مبحث اول از

فصل پنجم که نحوه‌ی استیفای دیون متوفی از ترکه را تعیین می‌کند. در ماده ۲۲۶ مقرر می‌دارد: «... در موقع تقسیم، دیونی که به‌موجب قوانین دارای حق تقدم و رجحان هستند، رعایت خواهد شد. بستانکاران زیر هریک به ترتیب حق تقدم بر دیگران دارند... طبقه‌ی چهارم: الف) نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی ب) مهریه‌ی زن تا میزان ده هزار ریال ...».

در صورت ورشکستگی شوهر، پاسخ سؤال یادشده را باید در قانون اداره‌ی تصفیه‌ی امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴ یافت. ماده‌ی ۵۸ آن زیر عنوان «مقررات مخصوص» می‌گوید: «بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش، مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شوند. طلب‌هایی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقیمانده‌ی طلب‌هایی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدم‌اند و در تقسیم‌نامه‌ی حاصل فروش اموال متوقف، این تقدم قید و رعایت می‌شود: ... طبقه‌ی چهارم، الف) نفقه‌ی زن مطابق ماده‌ی ۱۲۰۶ قانون مدنی؛ ب) مهریه‌ی زن تا میزان ده هزار ریال به شرط آنکه ازدواج اقل‌اً پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد، جزء سایر دیون محسوب می‌شود.

دو نکته در این قانون اینکه اول، تمام طلب زن جزء دیون ممتاز محسوب نگردیده، بلکه تا میزان ده هزار ریال محدود است. دوم، در قانون اداره‌ی تصفیه‌ی امور ورشکستگی شرط دیگری نیز اضافه شده است و آن اینکه ازدواج، حداقل ۵ سال قبل از توقف واقع شده باشد. بدیهی است که نسبت به مازاد همان‌گونه که این قانون تصریح نموده، جزء سایر دیون یعنی دیون عادی محسوب می‌گردد و فاقد حق تقدم است.

توجه به هردو قانون یادشده نیز به‌خوبی نشان می‌دهد که اولاً مبلغ ناچیزی از مهریه واجد حق تقدم است. دیگر که قرار دادن مهریه‌ی زن در طبقه‌ی چهارم و بعد از مطالبات خدمه خانه، طلب پزشک و داروفروش چندان منصفانه نیست. (گل محمدی، ۱۳۹۷، ص ۶)

۴-۲-۳- دین ممتاز درمانی

قانون‌گذار طبقه سوم ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب تیرماه ۱۳۱۸ را به طلب پزشک و داروفروش اختصاص داده است در این بند می‌خوانیم طلب

پزشک، داروفروش و مطالباتی که به مصارف مداوای مدیون و خانواده‌اش در ظرف یک سال قبل از توقف رسیده است. از جمله شرایط امتیاز دین این است که مطالبات مذکور باید در ظرف یک سال قبل از توقف جهت مداوای مدیون و خانواده او مصرف شده باشد. تصریح به ایجاد طلب که همان عملیات درمانی است مشخص می‌کند که از نظر قانون‌گذار صرفاً طلب پزشک و داروفروشان آن هم بابت مداوای مدیون و خانواده وی در ظرف یک سال قبل از توقف ممتاز تلقی می‌گردد. (دهقانی، ۱۳۸۹، ص ۸۲)

نتیجه‌گیری:

ماهیت دیون ممتاز تقدم در وصول طلب است. این امتیاز به دارنده آن حق تعقیب نمی‌دهد و حکم قانون صرفاً متضمن حق تقدم است. در حقوق ایران حکم قضیه نارسا و مبهم است و قانون‌گذار در قوانین پراکنده دیون ممتاز متعددی در نظر گرفته است که بعضاً طلبکاران ممتاز را بر دارندگان وثیقه نیز ترجیح داده است.

طلبکاران ممتاز و عادی بر هیچ مالی از اموال مدیون حق عینی ندارند تا بتوانند با مراجعه بدان حق خود را وصول کنند؛ و در صورتی که با خودداری بدهکار در پرداخت مواجه شوند، به‌ناچار با توسل به تضمینات قانونی و ضمن مراجعه به دستگاه قضایی باید زمینه استیفا طلب خود را فراهم سازند.

لکن در مرحله استیفا طلبکاران ممتاز بر طلبکاران عادی مقدم‌اند، در میان طلبکاران ممتاز نیز در صورتی که بستانکاران، متعدد باشند و مال مدیون تکاپوی پرداخت طلب همه آن‌ها را نکند، به ترتیب طبقات مقرر قانونی، هر طبقه ابتدا طلب خود را وصول می‌نماید و در صورتی که از اموال مدیون چیزی باقی ماند، به طبقه بعد داده می‌شود.

بررسی طلبکاران ممتاز، بیانگر این واقعیت است که وضعیت اجتماعی و اقتصادی این قبیل طلبکاران حمایت از آنان را در برابر مدیون و دیگر طلبکاران شخص مدیون، توجیه و تقویت می‌کند. قانون‌گذار ضمن انشا مواد قانونی در قوانین پراکنده، حمایت خود را از این قبیل افراد اعلام نموده که علیرغم صورت نیکوی وجود چنین تأسیسی انتقاداتی نیز بران به لحاظ عدم مطابقت با معیارهای اقتصادی روز وارد است و ضرورت تغییر و تحول در قوانین در جهت واقعی‌تر شدن و مناسب‌تر شدن قوانین با شرایط موجود اقتصادی و اجتماعی کاملاً محسوس و ملموس می‌باشد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ایزانلو، محسن، عباس میرشکاری، طلب ممتاز، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۳۷-۶۸.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۶۸.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، انتشارات مدرسه عالی امور قضایی و اداری، قم، چاپ اول، سال ۱۳۵۴.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، گنج دانش، جلد اول، سال ۱۳۹۶.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، میسوط در ترمینولوژی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۸، جلد سوم، ش ۷۲۷۸، ص ۱۹۷۱.
- ۶- حقیقت، سید صادق، اصول عدالت سیاسی، مجله نقد و نظر، شماره ۱۰ و ۱۱، سال ۱۳۷۶.
- ۷- رسایی نیا، ناصر، حقوق مدنی (۳)، انتشارات آوای نور، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۶.
- ۸- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین، جلد سوم، چاپ ۴۳، سال ۱۳۹۹.
- ۹- دهقانی، محمود، دیون ممتاز در نظام حقوقی ایران، نشر جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
- ۱۰- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۵، شماره مسلسل ۲۲۰.
- ۱۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین، جلد سوم، چاپ ۴۳، سال ۱۳۹۹.
- ۱۲- صفایی، سید حسین و اسداله امامی، مختصر حقوق خانواده، انتشارات میزان، ۱۳۹۳، چاپ ۵۳.
- ۱۳- صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تعهدات و قراردادهای، انتشارات موسسه عالی حسابداری، تهران، سال ۱۳۵۱، جلد دوم.
- ۱۴- صالح، سید صالح، تأمین خواسته، مجله مجموعه حقوقی، شماره ۲۸۹، سال

۱۳۲۷

- ۱۵- عدل، مصطفی (منصور السلطنه) حقوق مدنی، انتشارات بحر العلوم، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۳
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، ۱۳۹۲، انتشارات میزان، چ ۳۸
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ ششم، سال ۱۳۷۸، ش ۳
- ۱۸- گل محمدی، امین، دیون ممتاز در حقوق ایران، ماهنامه دادرسی، بهمن و اسفند ۹۷، شماره ۱۳۲
- ۱۹- واحدی، جواد، آیین دادرسی مدنی ۳، جزوه درسی دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۶

منابع لاتین

- 1- J. Kilpi, (1998), The Ethics of Bankruptcy, Routledge, London.
- 2- Olivier BARRET, (2010), PRIVILÈGES MOBILIERS, Rép. civ. Dalloz.
- 3- Alain Fournier, (2009), Privileges Generaux, Rép. civ. Dalloz.
- 4- Mokal 2011. Hicks 2008

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی